

### سریخ، یکپار چه، منطقه‌ای

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENI.IR در سرمقاله شماره ۲۴۵ خود با طرح این موضوع که «راهبرد ایران دفاعی است، ایران در پی جنگ نیست اما این به معنای آن نیست که برای پیاده‌سازی راهبرد خود، لزوماً برای دفاع از خود فقط از تاکتیک‌های دفاعی استفاده کند»، نوشته است: این گزاره‌ای است که در چند ماه اخیر به بیان‌های گوناگون توسط مقامات نظامی و دفاعی کشور عنوان شده است. گزاره‌ای که تشریح می‌کند جمهوری اسلامی ایران جنگ‌طلب و در پی جنگ نیست و تاریخ نشان داده حداقل تا این لحظه آغازگر هیچ جنگی نبوده اما این به آن معنا نیست که برای دفاع از خود در سطح تاکتیکی لزوماً محدود به تدابیر دفاعی خواهد بود و طرح‌ها، حرکات، اقدامات و ضربات خود را صرفاً در چارچوب تاکتیک‌های دفاعی صورت‌بندی کند. در سطح تاکتیک حتماً طرح‌های تهاجمی بخشی از طرح کلان نظامی و دفاعی ایران خواهند بود؛ تهاجمی همه‌جانبه که هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت و هم از نظر بانک اهداف قابل مقایسه با واقعیتی نیست که در جریان جنگ ۱۲ روزه هرچند با یک غافلگیری توانست در نیمه نخست جنگ، ضرباتی را به کشور وارد آورد اما اتاق فکر جنگ در تل آویو و واشینگتن بهتر از هر کسسی دیگر واقف است که با عبور از وضعیت غافلگیری اولیه، نیمه دوم جنگ مشخصاً نیمه ایران بود. پاسخ‌های تهاجمی ایران در نیمه دوم جنگ کیفی‌تر و مرگبارتر شده بود. این فرایند بود که در نهایت دشمن را به نقطه توقف آتش رساند. واقعیت جنگ ۱۲ روزه نه در لفاظی‌های نخست‌وزیر رژیم عبری بلکه در درخواست فرماندهان نظامی رژیم باید دید، زمانی که سه روز بعد از آغاز جنگ نشانه‌های جمع و جور شدن ایران و دفع ضربه غافلگیرانه نخست جنگ را دیدند و در یکی از جلسات محرمانه خود با نخست‌وزیر به او پیشنهاد دادند شعله درگیری را پایین بکشد؛ پیشنهادی که از سوی نخست‌وزیر جاه‌طلب صهیونی رد شد. فرایند رو به رشد ضربات ایران اما در نهایت او را در نیمه دوم جنگ به نقطه آتش‌بس رساند. مبتنی بر تجربه نیمه دوم جنگ ۱۲ روزه و درسی که از آن برای امروز می‌توان گرفت چند نکته قابل طرح است.

نخست آنکه، آن ایران در آن معر که صرفاً در مورد ساعت صفر درگیری غافلگیر شد. این مسئله در حال حاضر منتفی است. اگر در جنگ ۱۲ روزه بین هجوم دشمن و پاسخ ایران ۱۲ ساعت فاصله افتاد، در معرکه احتمالی بعدی ساعت صفر آغاز طرح‌های هجومی ایران از ۱۲ دقیقه هم کمتر خواهد بود. دوم آنکه توان تهاجمی آن روز ایران فقط کسری از توان تهاجمی نیروهای مسلح کشور بود. در جریان آن جنگ فقط نیروهای هوافضا، هوایی و پدافند هوایی در پیشانی درگیری با دشمن بودند؛ وضعیت‌ی که با وضعیت این روزهای ایران قابل مقایسه نیست.

اگر جرقه‌ای علیه ایران بخورد، برنامه‌های تهاجمی نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی ایران به مانند جنگ ۱۲ روزه محدود به سه نیروی کلاسیک مزبور نخواهد بود و پاسخ‌هایی تهاجمی در همه سطوح نیروهای مسلح و امنیتی کلید خواهد خورد. سوم آنکه برخلاف جنگ ۱۲ روزه که بانک اهداف اصلی نیروهای نظامی ایران در فاصله هزار و ۲۰۰ تا هزار و ۶۰۰ کیلومتری قرار داشتند در معرکه احتمالی پیش رو علاوه بر بانک اهداف صهیونی، بانک اهداف از زشمندی هم در فواصل بسیار نزدیک‌تر قرار دارند. این فاصله کوتاه‌تر کمیت و کیفیت پاسخ‌های هجومی ایران را هم متفاوت خواهد کرد. ایران خود را برای یک سناریوی هجومی همه‌جانبه و کامل آماده کرده است؛ طرح‌هایی که دامنه درگیری را محدود به آسمان نخواهد کرد و استعداد استفاده از بسترهای دیگری را هم برای تهاجم علیه منافع دشمن فراهم می‌آورد؛ بسترهایی که از پیش از این برای استفاده در نوس میبادا در در حالت خاموش و خفته قرار داشتند اما این خاموشی قرار نیست تا زل تاریخ ادامه داشته باشد.

در نهایت آنکه جمهوری اسلامی ایران همواره به نظریه امنیت برآمده از بلوک بومی منطقه برای همه اعتقاد داشته است. به عبارت بهتر و ساده‌تر امنیت در منطقه با برای همه یا برای هیچ‌کس! اگر قرار باشد امنیت ملی ایران نقض شود پس گزاره قبلی هم دیگر هیچ محلی از اعراب نخواهد داشت. محلی از اعراب نداشتن گزاره قبل هم یعنی هر جایی که منافع دشمن اعم از نظامی، سیاسی یا اقتصادی وجود داشته باشد و دست نیروهای نظامی و امنیتی ایران به آن برسد قطعاً هدف مشروع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

دوران بزدررو خیلی وقت است که تمام شده. یک ضرب‌المثل پر محتوای فراسی می‌گوید: زدی ضربتی، ضربتی نوش کن! این ضرب‌المثل ترجمه دیگری از همان راهبرد نظامی ایران است که در ابتدای متن آمد: جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از خود به تدابیر دفاعی بسنده نخواهد کرد.

## دفاعی

فرمانده نیروی زمینی ارتش:

### تحرکات دشمنان لحظه‌به‌لحظه ر صد می‌شود

فرمانده نیروی زمینی ارتش یا تأکید بر رصد لحظه‌به‌لحظه تحرکات دشمن در مرزهای کشور اعلام کرد: هوشیاری و بیداری شبانه‌روزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین عامل بازدارنده در برابر هر گونه ماجراجویی و محاسبه غلط دشمنان است. امیر سرتیپ علی جهانشاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش در بازدید از تیپ ۱۶۴ متحرک هجومی پیرانشهر که با هدف بررسی آخرین وضعیت آمادگی رزمی و توانمندی‌های عملیاتی یگان‌ها انجام شد، ضمن تقدیر از روحیه جهادی کارکنان، آنان را مایه افتخار و سربلندی نیروهای مسلح خواند و گفت: رزمندگان نیروی زمینی ارتش به صورت مستمر و شبانه‌روزی، با هوشیاری و تیزبینی تمام به پاسداری از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند و تمامی تحرکات و تهدیدات دشمن را لحظه به لحظه رصد و خنثی می‌کنند.

فرمانده نیروی زمینی ارتش با اشاره به منویات فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) مبنی بر لزوم آمادگی همه‌جانبه در برابر دشمن تصریح کرد: هوشیاری و بیداری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین عاملی است که دشمنان را از هر گونه محاسبه غلط و اقدام علیه منافع و امنیت کشور بازمی‌دارد و آنها را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام خواهد گذاشت.

وی تأکید کرد: امروز به برکت انقلاب اسلامی و هدایت‌های داهیبانه فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) نیروی زمینی به سطحی از توانمندی و بازدارندگی رسیده است که هر گونه تهدیدی را در نطفه خفه کند.

امیر سرتیپ جهانشاهی با اشاره به اهمیت ارتقای توان رزمی و استفاده از تجهیزات نوین و تاکتیک‌های به‌روز در مقابله با تهدیدات نامتقرن در صورت بروز تهدیدات و تمرینات تاکتیکی در منطقه تأکید کرد و گفت: رزمندگان ما با تکیه بر ایمان راسخ و تجهیزات پیشرفته، اجازه هیچ گونه تحرکی را به معاندان و بدخواهان این آب و خاک نخواهند داد.

در جریان این بازدید میدانی، فرمانده نیروی زمینی ارتش با حضور در مناطق عملیاتی، آخرین گزارش‌های اطلاعاتی و عملیاتی یگان‌های مستقر در مرزهای شمال غرب کشور را به صورت مستقیم دریافت کرد و مورد ارزیابی قرار داد.

## چون

گزارش

فائزه‌سادات یوسفی

بازدارندگی جدید ایران با موشک عمودپرتاب تقویت شد

# «صیاد ۳» قاتل جنگنده‌ها و موشک‌های کروز امریکایی



موشک صیاد ۳ در حال پرتاب

**یکی از عوامل مهم در تعیین بازدارندگی ایران، آنیسات قدرت موشکی و پهپادی و همچنین عدم برآورد دقیق امریکا از میزان تولید و انبار دارایی‌های نظامی راهبردی ایران است.**

بسیاری از تحلیلگران نظامی غربی معتقدند با وجود آرایش نظامی امریکا در آب‌های خلیج فارس و دومینوی تهدید لفظی ترامپ علیه ایران با پنهان‌های متنوع، اما امریکا همچنان در محاسبه برآورد نتیجه هر گونه حمله دچار چالش است. عدم ارزیابی میزان خسارت، ابهام در چگونگی پاسخ ایران و عدم کنترل ابعاد جنگ از سوی امریکا از مواردی است که سایه سنگینی بر تصمیم‌گیری انداخته است. به گفته منابع غربی، ایران با زرادخانه‌ای شامل هزاران موشک بالستیک و پهپادهای انتحاری، برای خود نوعی توان اشیاعی در برابر پایگاه‌های نیروهای امریکایی در خلیج فارس ایجاد کرده است.

از طرفی، درس‌های جنگ ۱۲ روزه و عدم موفقیت جبهه امریکایی – صهیونیستی در آزمون جنگ با ایران، این گزاره را تقویت کرده است که هرگونه حمله گسترده علیه ایران می‌تواند منافع و سراسر مایه‌های امریکا و همچنین بقای اسرائیل را وابسته

در جغرافیای اشغالی تهدید کند. بر همین اساس، تغییر قدرت موشکی و پهپادی و همچنین رونمایی متوالی از توانمندی‌های رزمی ایران تأثیر مستقیمی بر ارزیابی‌ها و زمانبندی‌های امریکا خواهد داشت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم‌بر همین میندازد برگزاری رزمایش «کنترل هوشمند» در تنگه هرمز و رونمایی از تجهیزات راهبردی خود در جنگ‌های دریایی متعاقباً پیامی هشدارآمیز به

دکترین دریایی سپاه برای مقابله و رویارویی با کاخ سفید ار سال کرده است. این اقدامات تداوم پیش‌بینی‌های امریکا بگذارند و از این منظر، محاسبات آنها را تحت‌الشعاع قرار دهد.

علاوه بر ویژگی‌های موشک صیاد G3، پرتاب این موشک گامی تدریجی اما معنادار در تلاش ایران برای تجهیز جدیدتر تن ناوچه‌های موشک‌انداز ۱۵۰کیلومتر از ناو «شهید صیاد شیرازی» شلیک شد. عملیاتی‌شدن این موشک به عنوان اولین پدافند در بلند عمود پرتاب در دریا، نقطه عطفی در سیستم پدافندی کشور در مقابله با جنگنده‌ها، موشک‌های کروز و ریزپرنده‌های دشمن به‌حساب می‌آید. از منظر دکترین دفاع هوایی دریایی، صرف استقرار بر تاپگر عمودپرتاب به‌تنهایی ایجادکننده جتر پدافندی مؤثر نیست، بلکه کارایی آن وابسته

است. ضرورت پیشرفت در حوزه پدافندی به این دلیل است که در جنگ‌های دریایی معاصر، تهدید اصلی علیه شناورها تنها از سطح دریا نیست، بلکه از آسمان نشئت می‌گیرد. جنگنده‌ها، پهپادهای مسلح، موشک‌های کروز ضدکشتی و حتی حملات ترکیبی اشیاعی، می‌توانند شناورها را در مدت کوتاهی با تهدید جدی مواجه کنند، از این رو، پدافند هوایی شناورها یک مؤلفه حیاتی در بقاپذیری رزمی محسوب می‌شود. بدون لایه دفاعی مؤثر، حتی قدرتمندترین شناورها نیز در برابر حملات چندلایه آسیب‌پذیر خواهند بود.

■ **«صیاد G3» هشدار ایران به امریکا**

برخی تحلیلگران نظامی غربی این پرتاب را حاوی نوعی پیام هشدارآمیز از سوی ایران به امریکا و همچنین کشورهای همسایه، شرق و غربی و نیروهای دریایی فرامنطقه‌ای متحد با امریکا با این مضمون دانسته‌اند که ایران در حال حرکت به سمت استقرار فناوری‌های دفاع هوایی استراتژیک زمینی در قالب دریایی روی پلتفرم‌های نسبتاً جمع و جور و متحرک است. آنها می‌گویند، این پرتاب نشان می‌دهد ایران چگونه به تدریج موازنه را بین دکترین سنتنی قایق‌های تندروی خود و یک رویکرد متعارف‌تر برای حضور در آب‌های دور تغییر می‌دهد. نیروی دریایی سپاه در سال‌های اخیر چندین ناوچه کلاس شهید سلیمانی و یک ناو پهپادبر به نام شهید بهمن باقری را به خدمت گرفته و برای نخستین بار مفهومی از گروه عملیاتی را پدید آورده که سامانه‌های بدون سرنشین، موشک‌های کروز دوربرد و حالا پدافند هوایی منطقه‌ای در ریابرد را در خود تلفیق کرده است.

این سامانه دریایی دارای پیام سیاسی و بازدارنده است با این مفهوم که گروه‌های سطحی ایران برای آن طراحی شده‌اند که با استقلال عمل و بقاپذیری بیشتری در برابر تهدیدات هوایی و موشکی عمل کنند. از مهم‌ترین امتیارات ایران در زمینه نظامی، بومی بودن تجهیزات دفاعی و عدم انرگداری تحریم‌ها و فشارهای امریکا روی تولیدات نظامی راهبردی است. بر همین اساس است که برخی گمانه‌ها دخالت داشتن موضوع موشکی در مذاکرات کنونی را غیرقابل محتمل نمی‌دانند، با وجود این، ایران بارها به طور مقتدرانه از خطوط قرمز خود دفاع کرده و هشدار داده‌است این مسائل نمی‌تواند محل بحث و مذاکره باشد.

علی حسن حیدری

### وابستگی راهبردی اپوزیسیون و هزینه‌های اجتماعی آن

در شرایط امروز ایران، یک واقعیت تلخ اما آشکار وجود دارد: بخش قابل توجهی از اپوزیسیون، نه صرفاً در تلاش برای ارائه بدیل سیاسی، بلکه عمدتاً به عنوان ابزار یا مکمل پروژه‌های فشار خارجی عمل می‌کند. این وابستگی راهبردی، هم در سطح تفکر سیاسی و هم در میدان عمل، پیامدهای مستقیم و سنگینی برای جامعه به دنبال دارد.

تحریم و فشار خارجی، در نگاه اپوزیسیون، ابزار سیاسی برای تغییر وضعیت داخلی است، اما در عمل، این ابزار بیش از آنکه به تغییر منجر شود، به مجازات جمعی مردم بدل می‌شود. محدودیت در واردات کالاهای ضروری، افزایش هزینه زندگی، اختلال در خدمات عمومی و تضعیف ثبات روانی جامعه، همگی نمونه‌هایی از آثار مستقیم این سیاست خارجی هستند که مردم عادی باید بار آن را تحمل کنند، در حالی که اپوزیسیون از منافع سیاسی و رسانه‌ای آن بهره‌مند می‌شود. این وضعیت، تضاد عمیقی میان منافع کوتاه‌مدت سیاسی اپوزیسیون و منافع ملی مردم ایجاد می‌کند.

وابستگی راهبردی اپوزیسیون به فشار خارجی، چند بعد کلان دارد:

۱. **نیابتی‌شدن کنش سیاسی:** جریان‌هایی که عملاً موفقیت یا دیده‌شدن خود را با تشدید فشارها و تحریم‌ها گره می‌زنند، از یک بازیکر مستقل سیاسی به ابزار نیابتی خارجی تنزل می‌یابند. در این نقش، هدف اصلی سیاست نه ارائه راهکار یا اصلاح وضعیت، بلکه بهره‌برداری از فشارها برای افزایش صدا، دیده‌شدن و مشروعیت مقطعی است.

۲. **تضعیف مشروعیت داخلی:** همه‌امای که تجربه تاریخی فشار خارجی و مداخله خارجی را دارد، نسبت به کنشگرانی که با این فشارها هم‌راستا می‌شوند، بدگمان است. نتیجه، کاهش اعتماد عمومی و بی‌اعتباری تدریجی اپوزیسیون در میان مردم است، حتی اگر نقدها و اعتراضات این جریان درست باشند، هم‌راستایی با تحریم و جنگ علیه کشور باعث می‌شود این نقدها به «هزینه‌ساز» بدل شوند.

۳. **پیامدهای روانی و اجتماعی:** وابستگی به فشار خارجی، در طول زمان، اعتماد عمومی را فرسوده می‌کند. مردم احساس می‌کنند اعتراض‌ها افزایش فشار خارجی صورت می‌گیرد. این امر، نه تنها امید جامعه را کاهش می‌دهد، بلکه به نوعی سردرگمی هویتی و سیاسی دامن می‌زند و مردم را نسبت به هر نوع کنش اصلاح‌گر بی‌اعتماد می‌کند.

۴. **رواج سیاست منفعت‌محور:** هنگامی که موفقیت سیاسی جریان معارض با شدت گرفتن فشارها گره خورده باشد، منطق تصمیم‌گیری تغییر می‌کند: هر تصمیم یا اقدام نه براساس منافع ملی، بلکه بر اساس افزایش بازده سیاسی کوتاه‌مدت گرفته می‌شود. این وضعیت، به تضاد بین اهداف جریان معارض و منافع مردم منجر می‌شود و هزینه‌سازی اجتماعی را به یک رویه دیده‌شدن و رسانه‌ای‌شدن، با هزینه بلندمدت برای سلامت روان، معیشت و اصلاح‌گر و نه نماینده واقعی مطالبات مردم است. این جریان‌ها، با استقبال از تحریم‌ها و فشار خارجی، به شکلی مستقیم و غیرمستقیم، از ناپلربری و فشار بر جامعه تغذیه سیاسی می‌کنند. هر موفقیت کوتاه‌مدت این اپوزیسیون در دیده‌شدن و رسانه‌ای‌شدن، با هزینه بلندمدت برای سلامت روان، معیشت و امنیت اجتماعی مردم همراه است. چنین وضعیتی نشان می‌دهد وابستگی راهبردی به فشار خارجی، نه یک تاکتیک موقت، بلکه عامل اصلی خسارت‌بار بودن اپوزیسیون فعلی ایران است. اگر هدف واقعی سیاست، توسعه جامعه و ارائه راهکار باشد، هیچ جریان سیاسی نمی‌تواند با بهره‌برداری از تحریم و فشار خارجی، مشروعیت درونی و کارآمدی واقعی داشته باشد. در غیر این صورت، اپوزیسیون به جای بازیگر سیاسی مسئول، صرفاً یک کنشگر منفعت‌جو نیابتی در جنگ سیاسی – روانی – شناختی خواهد بود که هزینه آن به شکل مستقیم بر صورت مردم سنگینی می‌کند.

# ما داغداریم

حضرت آیت الله خامنه‌ای: ما داغداریم، ما عزاداریم به خاطر خونهایی که ریخته شد…

دایره‌ی جانب‌اختگان که اینها را به عنوان «شهید» حساب میکنیم، دایره‌ی وسیعی است.

بجز آن اصحاب فتنه و سردسته‌ها.

۱۴۰۴/۱۷/۲۸

KHAMENI.IR

## گروه ۱) مدافعان امنیّت

چه نیروهای انتظامی، چه نیروهای بسیجی و سپاهی و چه کسانی که در کنار اینها حرکت میکردند و شهید شدند؛ اینها جزو برترین شهدائند.

## گروه ۲) رهگذرها

یک عده از مردم بیگناه در خیابان شهید شدند؛ اینها هم شهیدند به خاطر اینکه در فتنه‌ی دشمن به شهادت رسیدند.

## گروه ۳) فریب‌خوردگان

کسانی که فریب خوردند، سادگی به خرج دادند، بی تجربه بودند یافته‌گرها همراه شدند. آنها هم بچه‌های ما هستند. مسئولین آنها را هم شهید محسوب کردند؛ خوب کردند.

## اصحاب فتنه:

یک عده‌ای مفسدین و فتنه‌گران و کودتاچی‌ها بودند از دشمن پول و اسلحه گرفتند که به درک واصل شدند سرکارشان با خدا است؛ با آنها کاری نداریم.